



Identifying the Components of Obstacles to the Application of Humanities in Order to Provide a Suitable Model

Tayyebeh Nikbakht¹, Hamidreza Motamed², Alireza Ghasemi Zad³

1. PhD. Student in of Educational administration, Kazerun Branch, Islamic Azad University, Kazerun, Iran. Email: tayebe.nikbakht@yahoo.com

2. Department of Educational Management, Kazerun Branch, Islamic Azad University, Kazerun, Iran;(Corresponding Author), Email: Hrmotamed@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of Educational administration, Kazerun Branch, Islamic Azad University, Kazerun, Iran. Email: Alirezaghaseemizad@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article Type:
Research Article

Received
Received in revised
form
Accepted
Published online

Objective: The purpose of the present research is to investigate and identify the components of obstacles to the application of humanities in order to provide a suitable model from the point of view of professors of higher education centers of Yasouj University.

Methods: The current research is a type of qualitative research that was conducted by field interview and survey methods. The data collection method in this research was a combination of library and field studies, and the data collection tools were interviews with experts and questionnaires. In this research, in the qualitative part, by examining the interviews of 25 professors and faculty members of humanities fields in Yasouj University, who were selected by purposeful sampling; effective variables that included 10 categories and 52 codes; was identified. Also, interviews and coding have been analyzed using the Foundation's data method and NVIVO software. To validate the model based on the criteria extracted from the qualitative section, the opinions of all the faculty members of Yasouj University humanities fields have been used. The total statistical population was 452 people. Based on Cohen's table, 181 people were selected purposefully.

Results: The results obtained from the open coding of the qualitative research data show that 52 open codes were extracted in the form of 10 categories of support barriers, economic-financial, cultural, political, structural, practical, motivational, individual, psychological, and educational barriers. The results show that from the point of view of the respondents, support barriers are ranked first, educational barriers are ranked second, and structural barriers are ranked third.

Conclusion: The results of this research show that the current quality of higher education in general and the quality of humanities in particular is strongly influenced by the set of factors and conditions of the external and internal environment of academic centers.

Keywords: application, commercialization, humanities, Yasouj University

Cite this article: Nikbakht, Tayyebeh; Motamed, Hamidreza; Ghasemi Zad, Alireza (2024). Identifying the Components of Obstacles to the Application of Humanities to Provide a Suitable Model. *Higher Education Letter*, 17 (67): 64-81pages. DOI:10.22034/hel.2024.2021353.1941



© The Author(s).

Publisher: Institute for Research & Planning in Higher Education & National Organization of Educational Testing

شناسایی مؤلفه‌های موانع کاربردی سازی علوم انسانی به منظور ارائه مدل مناسب

طیبه نیکبخت^۱، حمیدرضا معتمد^۲، علیرضا قاسمی زاد^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران. رایانامه: tayyebh.nikbakht@gmail.com

۲. استادیار مدیریت آموزشی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران؛ (نویسنده مسئول)، رایانامه: Hrnotamed@yahoo.com

۳. دانشیار مدیریت آموزشی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران. رایانامه: Alirezahaseemizad@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی و شناسایی مؤلفه‌های موانع کاربردی سازی علوم انسانی به منظور ارائه مدل مناسب از دیدگاه اساتید مراکز آموزش عالی دانشگاه یاسوج است.
دریافت:	روش پژوهش: پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی است که به روش‌های مصاحبه میدانی و کمی انجام شده است.
اصلاح:	روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، ترکیبی از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی بوده است و ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه با خبرگان و پرسشنامه بود. در این تحقیق در بخش کیفی با بررسی مصاحبه ۲۵ نفر از اساتید و اعضای هیئت‌علمی رشته‌های علوم انسانی در دانشگاه یاسوج که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند؛ متغیرهای مؤثر که شامل ۱۰ مقوله و ۵۲ کد بود؛ شناسایی گردید. هم‌چنین با استفاده از طرح تحقیق داده بنیاد و از نرم‌افزار NVIVO به بررسی مصاحبه‌ها و کدگذاری پرداخته شده است. برای اعتبارسنجی مدل بر اساس معیارهای استخراج شده از بخش کیفی، از نظرات کلیه اعضای هیئت‌علمی رشته‌های علوم انسانی دانشگاه یاسوج استفاده شده است. کل جامعه آماری ۴۵۲ نفر بوده‌اند. بر اساس جدول کوهن ۱۸۱ نفر به صورت هدفمند، انتخاب شده‌اند.
پذیرش:	یافته‌ها: نتایج به دست آمده حاصل از کدگذاری باز داده‌های کیفی پژوهش نشان می‌دهد، که تعداد ۵۲ کد باز در قالب ۱۰ مقوله موانع حمایتی، موانع اقتصادی-مالی، فرهنگی، سیاسی، ساختاری، کاربردی، انگیزشی، مفردی، روان‌شناختی و آموزشی استخراج شده است. نتایج نشان می‌دهد از دیدگاه پاسخگویان موانع حمایتی در رتبه اول، موانع آموزشی در رتبه دوم و موانع ساختاری در رتبه سوم اهمیت قرار گرفته‌اند. هم‌چنین نتایج ارائه شده نشان می‌دهد شرایط علی بر شرایط زمینه‌ای، شرایط علی بر شرایط مداخله‌گر، شرایط علی بر راهبردها و راهبردها بر پیامدها تأثیر آماری معنادار داشته‌اند و این اثرات از نوع افزایشی (مستقیم) بوده است.
انتشار:	نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که کیفیت فعلی آموزش عالی به طور اعم و کیفیت حوزه علوم انسانی به طور اخص به شدت متأثر از مجموعه عوامل و شرایط محیط بیرونی و درونی مراکز دانشگاهی است.
	کلیدواژه‌ها: کاربردی سازی، تجاری‌سازی، علوم انسانی، دانشگاه یاسوج
	استناد: نیکبخت، طیبه؛ معتمد، حمیدرضا؛ قاسمی‌زاد، علیرضا (۱۴۰۳). شناسایی مؤلفه‌های موانع کاربردی سازی علوم انسانی به منظور ارائه مدل مناسب. <i>نامه آموزش عالی</i> ، ۱۷ (۶۷)، ۸۱-۶۴. صفحه. DOI:10.22034/hel.2024.2021353.1941
	ناشر: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و سازمان سنجش آموزش کشور
	حق مؤلف © نویسندگان.



مقدمه

یکی از مهم‌ترین گام‌ها در جهت تقویت علوم انسانی کاربردی، بازشناسی مشکلات و موانع است؛ مانند مشکلات ساختاری، مشکلات سیاسی، ضعف محققان و پژوهشگران، ضعف نظام آموزشی، جایگاه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان و غیره، اگر نتایج سلبی برآمده از این بازشناسی به فرآیندهای ایجاد شود، می‌توانیم از وضعیت موجود به‌سوی وضعیت مطلوب حرکت کنیم؛ چنانکه یکی از راه‌ها بازتعریف قوانین و مقررات با نگاهی جامع‌نگر و درون‌زاست؛ بنابراین می‌توان ساختار متولی در امر پژوهش علوم انسانی را نقادانه واکاوی کرد (احسانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۲۵). کمیسیون کاربردی سازی علوم انسانی برای رسیدن به اهداف والا در حوزه تحول علوم انسانی، فرآیند سه مرحله‌ای زمینه تحول بنیادین در علوم انسانی را مدنظر داشته‌اند (ایسنهایور و همکاران^۱، ۲۰۲۱: ۱۶۹). تحولی که ما را به سمت تولید علم نافع ببرد. این سه راهکار پیشنهادی در سه حوزه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تقسیم‌بندی شده است. در گام کوتاه‌مدت بر این باور هستیم که از طریق مطالعات تطبیقی به‌منظور آشنایی با دیدگاه سایر علما و دگراندیشان و پیدا کردن نقاط مشترک و افتراق و احتمالاً پیدا کردن تعارضات اولیه به سمت رویکردی که شاید بتوان از آن به رویکردی تحلیلی نام برد، هدایت شویم. در میان‌مدت با استفاده از نقد نظریات سکولار و از طریق نقد نظریات سکولار، مقام معظم رهبری معتقد است که خود زمینه‌ساز تولید نظریات در سطح بین‌المللی خواهد بود و در بلندمدت مطالعات بنیادین است، که بر اساس نظریه بزرگانی هم‌چون علامه مصباح باید از معرفت‌شناسی و لزوم پرداختن به مبانی و مبادی هر علم در حوزه علوم انسانی شروع شود (اپتینگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۱: ۹). برای هریک از این رویکردها یک فرآیند نمایی در نظر گرفته شده است. در رویکرد کوتاه‌مدت فرآیند نمای ذیل مراحل حرکت را مشخص می‌کند. در واقع در این رویکرد نقطه عزیمت، مطالعه تطبیقی و مقایسه‌ای است، تا استخراج دیدگاه‌های دینی حوزه نظیر هم صورت بگیرد. حال مبانی دینی را با آن مبانی که وجود دارد، ارزیابی کردند و سه حالت اتفاق افتاد. ممکن است در این ارزیابی علمی تطبیقی مبانی وارد شده با مبانی دینی دارای تعارضات جزئی باشد. در این صورت باید اصلاحاتی انجام گردد، تا این حوزه قابلیت کاربردی‌سازی در فضای اسلامی را داشته باشد (مان و همکاران^۳، ۲۰۱۸: ۵۷). اگر تعارض عمیق باشد و به‌عنوان یک نظریه متضاد مشخص می‌شود، طبعاً می‌بایست نظریه غیر الهی حذف گردد چون قابلیت ندارد و چنانچه تعارض سطحی باشد باید دید قابلیت حل را دارد یا نه؟ اگر رفع تعارض گردد آماده ورود به اشباع نظری است (کانگ و همکاران^۴، ۲۰۲۳). غربی‌ها در نظریه‌سازی بعد از کلی مراحل مختلف مرحله‌ای تحت عنوان عقلایی کردن نظریه دارند که در ادبیات دینی، اشباع نظری را پیشنهاد کردند (رضاییان، ۱۳۹۰). بنابراین رفع موانع و ارتقا ارتباط یکی از موضوعات مهم در مطالعات علم و فناوری در سطح جهان است (حسن و شریف‌زاده، ۱۴۰۲). در طول دهه‌های گذشته، مأموریت‌ها، اهداف و برنامه‌های دانشگاه‌ها دست‌خوش تغییرات بسیاری شده‌اند. در گذشته، یک دانشگاه تنها مسئولیت آموزش و پرورش را بر عهده داشت (شن^۵ و همکاران، ۲۰۲۳). در اواخر قرن بیستم، در ایالات‌متحده، نگرانی از کاهش رقابت ملی با توجه به فناوری‌های پیشرفته و روند رو به رشد انتقاد علیه دانشگاه‌ها به دلیل عدم توجه به فناوری‌های جدید و عدم توجه به کاربردها، تعریف جدیدی از نقش سیستم‌های تحقیقاتی عمومی ارائه شد. در همین راستا، جنبش آکادمیک دوم مبتنی بر شرکت در توسعه اقتصادی بود. به این معنا که دانشگاه‌ها علاوه بر آموزش و تحقیق، مسئولیت اقتصادی را نیز بر عهده داشتند (پرکمن و همکاران، ۲۰۱۳: ۶؛ ابریو و جریونچ، ۲۰۱۳: ۴۱۹). این منجر به ایجاد اشکال مختلف همکاری بین دانشگاه‌ها و صنایع در زمینه تجاری‌سازی تحقیقات شد. فناوری حاصل از علوم طبیعی، "فناوری سخت"^۸ نامیده می‌شود، که به ابزارها و قوانینی که انسان برای تغییر، سازگاری و مدیریت طبیعت جهت پیشرفت و بقاء خود استفاده می‌کند، اشاره دارد (جین^۹، ۲۰۱۱). اکثراً فناوری‌های سخت به اشکال مادی تحقق می‌یابند، از این رو، کاربردها برای آن‌ها فراوان است و تجاری‌سازی آن‌ها آسان‌تر و ملموس‌تر است. با این حال، علوم انسانی ماهیت متفاوتی نسبت به علوم طبیعی دارد. فناوری (دانش عملی) حاصل از این علوم "فناوری نرم" است. فن‌آوری نرم مستلزم فناوری فکری و خلاقانه‌ای است که بر تفکر، ایدئولوژی،

1. Eisenhauer et al

2. Epting

3. Mann et al

4. Kung

5. Shen

6. Perkmann et al.

7. Abreu & Grinevich

8. Hard Technology

9. Jin

ارزش‌ها، دیدگاه‌ها، رفتارهای فردی و سازمانی متمرکز است. چندین فناوری شامل فناوری‌های اجتماعی، فناوری‌های فرهنگی، فناوری‌های زیستی نرم، فناوری‌های دیپلماتیک و فناوری‌های مالی و پولی است (جین، ۲۰۱۱). از این‌رو با توجه به ضرورت انجام پژوهش، و با توجه به این‌که، در قرن بیست و یکم، به تدریج اهمیت فناوری‌های نرم در راستای فناوری‌های سخت مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس این تغییر پارادایم، می‌توان ادعا کرد که تحقیقات علوم انسانی قادر به تبدیل به فناوری‌های قابل‌انتقال و خرید و فروش است و این تحقیقات می‌تواند تجاری‌سازی شود تا دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و جامعه از آن‌ها سود ببرند. از آنجا که تجارت در تحقیقات علوم انسانی یک منطقه نوظهور است، ممکن است با موانع و چالش‌های بی‌شماری روبرو شود. بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که تحقیقات گسترده‌ای در زمینه تجاری‌سازی و موانع انجام شده است. و این یک پژوهش جدید و نو است، با این‌وجود، بیشتر مطالعات بر تحقیقات علوم طبیعی از جمله فناوری نانو، پزشکی، کشاورزی، فنی و مهندسی و علوم طبیعی متمرکز بوده و در صورت وجود کمتر به علوم انسانی و علوم نرم توجه شده است. برای برطرف کردن این شکاف و خلأ نظری، پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های موانع کاربردی سازی علوم انسانی به‌منظور ارائه مدل مناسب، به‌منظور کمک به غلبه بر این موانع انجام شده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

یکی از نمودهای عقب‌ماندگی کشورهای توسعه نیافته، کم‌رشدی فضای علم در آن‌هاست. نظام دانشگاهی و تحقیقاتی ضعیف، تعداد قلیل اجتماعات علمی، جدایی بین نیازهای داخلی و دانشگاهی، ضعف مدیریت نهادهای علمی، فرار مغزها و مواردی از این دست معرف کم‌رشدی مذکور هستند. کشور ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای توسعه نیافته با معضلات مربوط به کم‌رشدی علوم دست‌به‌گریبان است، به‌طوری‌که می‌توان یکی از عوامل عقب‌ماندگی در بخش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فرهنگی کشور را مستقیماً ناشی از این معضلات دانست. این در حالی است که در عصر مدرن حل معضل توسعه‌نیافتگی جز با کاربرد عقل مدرن و علوم جدید میسر نیست (نریمان و قدیمی، ۱۳۹۷). تجربه بیش از نیم‌قرن نظام دانشگاهی در کشور، حاکی از آن است که با وجود گذشت سال‌های بسیار، هنوز هم به لحاظ معرفت‌شناختی جایگاه علم به عنوان منبع حل مسئله در کشورمان جایگاهی مخدوش است. این امر به‌ویژه در حوزه مسائل اجتماعی فرهنگی بیشتر مشهود است. به عبارتی دقیق‌تر، جایگاه علوم انسانی در شناسایی و حل معضلات اجتماعی فرهنگی کشور در مقایسه با جایگاه علوم دیگر، جایگاهی متزلزل و بی‌ثبات است (کارلا، ۲۰۱۳).

علوم انسانی به طور کلی شاخه‌ای از علوم است که شامل مطالعات و تأملات انسان راجع به خودش از زوایای گوناگون است و در زمینه‌های متنوعی نیز رشد یافته است. آنچه امروزه به نام علوم انسانی می‌شناسیم متعلق به دوره جدیدی است که برخاسته از تحول نگرش به عالم و آدم است (احمد و همکاران، ۲۰۱۷). در برداشت و درک جدید به عبارتی معنا از پدیده‌ها رخت برمی‌بندد و غایتی برای هستی در نظر گرفته نمی‌شود. بدین ترتیب می‌توان زمینه‌های چالش‌برانگیز علوم انسانی در ایران را شناخته بدین توضیح که برخورداری از سنت‌های تاریخی و ریشه‌دار بودن دین‌باوری و عمل به احکام دینی در ایران، فی‌نفسه دربردارنده نوع خاصی از درک برای تحلیل مسائل انسانی گردیده است، که الزاماً منطبق و همسو با علوم انسانی در معنای جدید آن نیست، خصوصاً که دین‌گرایی دورانی جدید تأثیرات مشخص و مستقیمی در پردازش مسائل در این علوم داشته است و به همین جهت مخالفت‌های شدیدی را با آن‌ها در ایران اسلامی برانگیخته است (منصوری، ۱۳۹۳).

در ارتباط با حوزه کاربردی سازی علوم انسانی رویکردهای مختلفی وجود دارد، برخی معتقد هستند که کاربردی سازی در حوزه علوم انسانی می‌بایستی در مرحله‌ای انجام شود که در واقع مفاهیم لازم، الگوهای مورد نظر و در یک کلام مبانی و ارکان حوزه نظریه‌پردازی مطالعات مربوط را انجام داده و در واقع آمادگی ورود به حوزه کاربردی سازی وجود داشته باشد. پیروان چنین رویکردی در واقع طراحی را مقدم بر کاربردی سازی می‌دانند. این رویکرد اولین نگرش در حوزه کاربردی سازی است (کریشنا و همکاران، ۲۰۰۰). در رویکرد دوم عده‌ای معتقدند کاربردی سازی علوم انسانی همانند یک فرآیند مهندسی هم‌زمان است؛ به‌عبارت‌دیگر لازمه تولید علم آن است که علم مزبور در حوزه کاربردی هم وارد شود و به‌عبارتی صرفاً در حوزه مبانی نظری مستقر و باقی نماند و وارد حوزه‌های کاربردی سازی هم شود. در چنین رویکردی لازم است نظریه‌پردازی

1. Kaarela

2. Ahmed et al

3. Krishna

هم‌زمان با کاربردی سازی انجام شود، به عبارت دیگر الزامات و ضروریات کاربردی سازی هم‌زمان با نظریه‌پردازی بایستی مدنظر باشد (نریمانی و قدیمی، ۱۳۹۷).

حقیقت این است که نگاه برخی از سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان به پژوهش‌های علوم انسانی در ایران با نوعی دوگانگی در حوزه‌های نظر و عمل مواجه است. آنان از یک سو بر نقش بنیادین علوم انسانی در شکل‌دهی به ژرف‌ساخت‌های معرفتی و روساخت‌های نهادی تأکید می‌کنند و از سوی دیگر سرمایه‌گذاری جدی و حمایت عملی درخور از جایگاه کارکردی و سرنوشت‌ساز علوم انسانی را عمدتاً به فراموشی می‌سپارند. یکی از دلایل این امر غالب بودن سیاست‌های فن‌سالار در سطوح کلان برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری است که گفتمانی ناباورانه را نسبت به علوم انسانی رقم زده است. از این رو پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در چارچوب برنامه توسعه راهبردی و بنا به تعریف کارکردهای بنیادین خود، در بررسی و تحلیل چرایی و چگونگی کم‌باوری به کارایی علوم انسانی به فراهم ساختن زمینه‌های رفع ابهامات نسبت به کارآمدی علوم انسانی و گشودن افق‌های کارایی عملی این علوم از طریق طراحی و راه‌اندازی پژوهشکده علوم انسانی کاربردی اقدام نموده است (بابایی، ۱۳۸۶).

نبود و یا محدود بودن زمینه مناسب برای ارائه نظر و نظریه در جامعه ایرانی، موجب ترویج رویه اقتباس‌گرایی و محافظه‌کاری در استفاده از متون موجود شده است. ماهیت علوم انسانی به گونه‌ای است که ممیزی‌ها گاهی می‌تواند تلاش علمی پژوهشگران را از مسیر انتشار و کاربردی خارج سازد (پرکمن و همکاران^۱، ۲۰۱۳). تسلط روحیه و روش عینی‌گرایی و کمیت‌گرایی در مراکز علمی، از دیگر محدودیت‌های فرا روی علوم انسانی در ایران است. نمونه بارز این وضعیت، سلطه روش‌های کمی در خود علوم انسانی و علوم اجتماعی است. اگرچه در حوزه‌هایی، کاربرد رویکردهای کمی گریزناپذیر است، ولی روش‌شناسی‌های کیفی نیز در علوم انسانی از قابلیت بالایی برخوردارند و بی‌توجهی یا کم‌توجهی به این رویکردها در علوم انسانی موجب شده تا علوم انسانی نتوانند در حد قابلیت‌های علمی و پژوهشی خود ظاهر شوند (اکرامی، ۱۳۹۲).

وضعیت علوم انسانی در دانشگاه‌های کشور امری مجزا از وضعیت علوم در کشور نیست و به نظر می‌رسد رشد و توسعه کلیه علوم دچار محدودیت‌های عام است (منصور زاده، ۱۳۹۵). با این اوصاف بررسی‌های دقیق‌تر دلالت بر آن دارد که این کم‌رشدی و توسعه‌نیافتگی در علوم انسانی در مقایسه با سایر علوم به میزان بیشتری قابل‌مشاهده است (احمد و همکاران، ۲۰۱۷). تسلط رویکرد فنی و عینی در مطالعات، موجب شده است تا علومی که واجد چنین ویژگی‌هایی نیستند، نزد افکار عمومی از درجه اعتبار علمی کمتری برخوردار باشند. چنین بینش ساده‌انگارانه‌ای نسبت به علوم انسانی، میزان تلاش و پشتکار حرفه‌ای دانشجویان و محققان این دسته از علوم را به تحلیل می‌برد. به‌طور کلی توسعه علوم انسانی نقشی راهبردی در توسعه دانش و فن‌آوری دارد و همین نکته، ضرورت جست‌وجو از عوامل تسهیل‌کننده و موانع بازدارنده رشد و بالندگی این علوم را پذیرفتنی می‌کند؛ اما چنین جست‌وجویی گسترده‌تری و پیچیدگی زیادی دارد و قابل‌مطالعه در یک مقاله نیست و باید آن را در چند بحث فرعی مورد مطالعه قرار داد (جین، ۲۰۱۱).

منتها کاربردی سازی مراحل دارد برای کاربردی سازی در ابتدای فرآیند نظریه‌پردازی بایستی اقدامی را با عنوان بسترسازی انجام داد؛ به عبارتی در زمانی که یک مفهوم یا یک نظریه در حال شکل‌گیری است، در ذهن محقق بایستی بسترهای لازم برای کاربردی سازی این نظریه در آینده شکل گیرد. (منصور زاده، ۱۳۹۵). این در حالی است که علوم انسانی و پژوهش‌های اجتماعی می‌توانند نقشی مفید و مؤثر در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان و خرد کشور ایفا کرده و به موفقیت، بهبود طرح‌ها، برنامه‌ها و واقع‌بینانه‌تر شدن تصمیمات کمک شایان توجهی بنمایند. علاوه بر مسائل فراروی همه علوم در ایران، علوم انسانی نیز با مسائل و مشکلات خاص خود روبرو است (کارلا، ۲۰۱۳). نگاهی به روند اقتباس آموزش نوین از غرب و به‌ویژه مدرسه دارالفنون، نشان می‌دهد که علوم تجربی و ریاضی طلبه‌دار ورود علوم جدید به ایران بودند. این باور غلط که علم یعنی علوم تجربی، زبان‌های جبران‌ناپذیری را متوجه علوم انسانی ساخته است؛ به عبارت دیگر، حتی برخی از افراد با تحصیلات دانشگاهی هنوز بر این باورند که رشته‌های علوم انسانی قالب و شکل علمی ندارند. علاوه بر این زمینه فرهنگی، چالش‌های دیگری فراروی علوم انسانی هستند (نریمانی و قدیمی، ۱۳۹۷).

کشور ما همانند بسیاری از کشورهای توسعه نیافته با معضلات مربوط به کم‌رشدی علوم دست‌به‌گریبان است؛ به طوری که می‌توان یکی از عوامل عقب‌ماندگی در بخش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فرهنگی کشور را مستقیماً ناشی از این معضلات دانست. این در حالی است که در عصر مدرن حل معضل توسعه‌نیافتگی جز با کاربست عقل مدرن و علوم جدید میسر نیست. تجربه بیش از نیم‌قرن نظام دانشگاهی در کشور، حاکی از آن است که با وجود گذشت سال‌های بسیار، هنوز هم به لحاظ معرفت‌شناختی جایگاه علم به عنوان منبع حل مسئله در کشورمان

¹. Perkmann et al

جایگاهی مخدوش است. این امر به‌ویژه در حوزه مسائل اجتماعی فرهنگی بیشتر مشهود است. به عبارتی دقیق‌تر، جایگاه علوم انسانی در شناسایی و حل معضلات اجتماعی فرهنگی کشور در مقایسه با جایگاه علوم دقیقه جایگاهی متزلزل و بی‌ثبات است. در این راستا، نوآوری این پژوهش در مقایسه با مطالعات صورت گرفته فوق در این است که در این پژوهش، به بررسی موانع کاربردی سازی علوم انسانی پرداخته می‌شود.

یکی از راهکارهایی که در یک دهه اخیر برای شتاب بخشیدن به روند توسعه علمی کشور و نیز توسعه علوم انسانی در سیاست‌های علمی کشور مورد توجه قرار گرفته است، توسعه میان رشته‌ای‌ها است. «متحول سازی و ارتقای کمی و کیفی علوم انسانی» به‌عنوان یکی از راهبردهای کلان توسعه علم و فناوری در کشور مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه به بررسی و مرور پیشینه‌های پژوهشی مرتبط می‌پردازیم. نتایج پژوهش احسانی و همکاران (۱۳۹۹)، نشان داد که چهار بعد خودکارآمدی کارآفرینانه، تحول نظام آموزشی، هنجارهای اجتماعی و سیاست‌های تجاری سازی برای تجاری سازی یافته‌های پژوهشی در علوم ورزشی ضروری هستند و به‌عنوان الزامات آن به شمار می‌روند. هم‌چنین، یافته‌های پژوهش، رومزمری و همکاران (۱۳۹۸)، در قالب چهار گام ایده اولیه، پژوهش و توسعه، انتقال نتایج پژوهش‌ها و بهره‌وری یافته‌های پژوهشی و شش راهبرد اصلی، شامل مدیریت و سیاست‌گذاری، فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی، بسترها و زیرساخت‌ها، ارتباطات و شبکه‌های علمی، نشر و اشاعه دانش و نوآوری قرار دارد. با ترکیب متغیرها و شش راهبرد اصلی، مدل نهایی مراحل فرآیند ایجاد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان در رشته‌های علوم انسانی شکل گرفته است. یافته‌های پژوهش حیدری و قناعی نژاد (۱۳۹۷)، نشان داد که مهم‌ترین موانع نظریه‌پردازی در علوم انسانی و اجتماعی به ترتیب عبارت‌اند از: موانع فرهنگی - سیاسی، موانع اجتماعی، موانع اقتصادی، حمایتی و مالی، موانع قانونی - سازمانی، موانع آموزشی، موانع روش‌شناختی (پژوهشی) و موانع فردی - روان‌شناختی. در پایان نیز راهکارهایی برای توسعه نظریه‌پردازی در این حوزه‌ها ارائه شده است. شناسایی مشکلات و چالش‌های موجود در مسیر نظریه‌پردازی به سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کشور کمک خواهد کرد تا در راستای رفع موانع و کمک به توسعه فرآیند نظریه‌پردازی علوم انسانی و اجتماعی، برنامه‌ریزی و اقدام کنند. هم‌چنین، حسینی و همکاران (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان چارچوبی برای توسعه کارآفرینی دانشگاهی در رشته‌های علوم انسانی در ایران انجام دادند. رویکرد پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوا و هدف اصلی آن تعیین چارچوبی برای توسعه کارآفرینی دانشگاهی در رشته‌های علوم انسانی است. در نهایت، ۷ بعد عبارت از فرهنگ کارآفرینی، نقش دولت، ساختار دانشگاه‌ها، شیوه آموزشی دانشگاه، تحقیق و تجاری‌سازی، ارتباطات بیرونی و زیرساخت مالی برای توسعه دانشگاه کارآفرین در حوزه علوم انسانی شناسایی شد. داده‌های حاصل از این تحقیق می‌تواند گام رو به جلویی برای توسعه و پیشرفت کارآفرینی در رشته‌های علوم انسانی محسوب شود. نتایج میرزایی و همکاران (۱۳۹۰)، نشان داد که موانع فعالیت‌های پژوهش کاربردی عبارتند از موانع مدیریت و سیاست‌گذاری پژوهش‌ها، سازمان، مقررات و پژوهش، پژوهشگران، انگیزه‌های فرهنگی، پشتیبانی و امکانات پژوهش، نظام و ساختار آموزشی، سیاست و ساختار و موانع مالی و اداری. هم‌چنین، استارو کوژکو و همکاران^۱ (۲۰۲۱)، پژوهشی با عنوان تقویت علوم نظارتی در دانشگاه: استارز، ابتکار اتحادیه اروپا برای پر کردن شکاف کاربردی سازی انجام دادند. در این مطالعه به بررسی این موضوع پرداخته شده است که موانع قانونی چه تأثیری بر توسعه کاربردی سازی محصولات جدید یا الگوهای جدید درمان که در دانشگاه آغاز شده‌اند، دارند و گام‌های کلیدی به سمت بهبود گفتگوی قانونی در میان دانشگاه، نهادهای مالی و مقامات نظارتی پیشنهاد شده است. هم‌چنین، مان و همکاران^۲ (۲۰۱۸)، در پژوهش خود نشان دادند که مراحل مختلف کاربردی سازی می‌تواند در محیط‌های مختلف، از جمله حرکت از دانشگاه به صنعت، از یک شرکت به شرکت دیگر، یا بین کاربردهای دامپزشکی و انسانی رخ دهد. فرآیند کاربردی سازی هم‌چنین ممکن است بر سازمان‌های قراردادی برای حرکت در چشم‌انداز پیچیده تکیه کند. درحالی که مسیر رسیدن به یک محصول تجاری و قابل فروش ممکن است هر بار یکسان به نظر نرسد، مهم است که یک برنامه توسعه با اهداف واضح و نقاط عطف برای نگه داشتن در مسیر طراحی شود. و در پژوهشی دیگر، سکاران (۲۰۱۸)، نشان داد، عوامل محیطی اثرگذار بر تجاری‌سازی پژوهش‌های دانشگاهی شامل قابلیت سرمایه مخاطره پذیر، محیط و زیرساخت‌های محلی، عوامل و ویژگی‌های صنعتی و سیاست مالکیت فکری دانشگاه را بیان می‌کنند. عواملی را که بر انتخاب راهبرد تجاری‌سازی در دانشگاه تأثیر می‌گذارد، در چهار دسته قرار داده است که به شرح زیر است: عوامل سازمانی، عوامل نهادی، عوامل شخصی و عوامل محیطی. بر اساس این مدل، عوامل محیطی که بر انتخاب راهبرد تجاری‌سازی تأثیر می‌گذارد، شامل تشکیل شرکت‌های مولد با استفاده از سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران، زیرساخت‌ها، قوانین مربوط به حفاظت از دارایی فکری و ویژگی‌های صنعت است. هم‌چنین، ندجت و همکاران (۲۰۱۴)، پژوهشی با عنوان روش تحقیق و موانع کاربردی سازی دانش در ایران انجام دادند. در این

1. Starokozhko et al

2. Mann et al

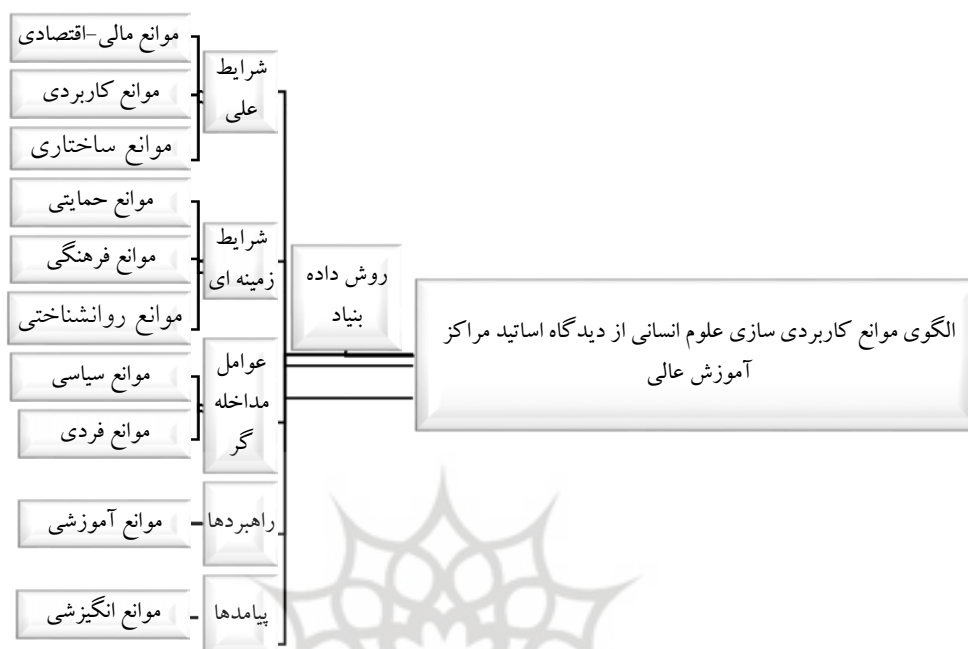
مطالعه سعی شده است روش ترجمه دانش و موانع قابل‌درک آن در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی (بخش تحقیق) در ایران بررسی شود. نتایج تحقیق نشان داد که ۲۴ درصد از نویسندگان هیچ تعاملی با مخاطب هدف نداشته‌اند. عدم انتظار برای ایجاد تغییر در مخاطبان هدف، انگیزه‌های محققان، سطح پایین اعتماد در بین محققان و تصمیم‌گیرندگان، عدم وجود مکانیزم از پیش تعیین‌شده برای ارائه نتایج تحقیقات و اولویت‌های نامناسب تحقیق از مهم‌ترین موانع شناسایی‌شده در بخش کیفی بود. کوکو^۱ (۲۰۱۳) در پژوهش خود نیز فقدان توسعه و به اشتراک‌گذاری دانش را مهم‌ترین موانع در برابر با تولید علم و نظریه‌پردازی دانسته است.

علوم انسانی جایگاه خاصی در پیشرفت علمی، توسعه و تمدن بشری دارد. الگوهای توسعه در کشورهای توسعه‌یافته این «اصل» را مورد توجه قرار داده‌اند، که توسعه همه‌جانبه فارغ از توسعه و پیشرفت در علوم انسانی محقق نمی‌شود. اهمیت و جایگاه علوم انسانی و نسبت آن با توسعه‌یافتگی تا جایی است که فیلسوف معروف معاصر مارتا نوسبام می‌گوید: (علوم انسانی برای جوامع حیاتی و ضروری هستند). به اعتقاد وی علوم انسانی مبنای توسعه سیاسی و اجتماعی است. چنانچه علوم انسانی در چرخه نظام نوآوری و فرآیند کاربردی شدن قرار گیرد، جهان زیست‌متناسب خود را پیدا می‌کند و به‌صورت طبیعی، راه مکالمه، تعامل و سازگاری با مسائل و مشکلات را می‌یابد. کاربردی شدن علوم انسانی موجب شناسایی عوامل و موانع رشد و توسعه این علم می‌شود و در این صورت، علوم انسانی بومی تولید خواهد شد و وقتی این علم در کشور بومی شد، چون باید در فضای فرهنگ اسلامی تنفس نماید و با باورهای این مردم زیست کند، راه اسلامی شدن را نیز پیدا می‌کند. سودمندی‌ها و ناسودمندی‌های علوم انسانی جدید، با به‌کارگیری متناسب یا نامتناسب آن ممکن است؛ و راه‌حل آن کاربردی سازی علوم انسانی است. به عنوان نمونه معضل بیکاری در دوره کنونی عوامل مختلفی دارد، چنانکه بخشی از آن، نتیجه پایین بودن سرمایه‌گذاری‌ها و نداشتن امکانات است بخش دیگر آن به آشنایی نداشتن با فنون اشتغال آفرینی و استفاده نکردن از ظرفیت‌ها مربوط است و بخشی هم به حوزه سیاست و شیوه مدیریت بازمی‌گردد؛ و همه این مشکلات می‌توانند در پژوهش‌های علوم انسانی به مسئله تبدیل شوند و به ارائه راه‌حل بینجامند (بندریان و قابضی، ۱۳۸۹). اکنون روند رشد علوم انسانی نه‌تنها در وضعیت نرمال قرار ندارد بلکه طی سده و دهه‌های اخیر، به نحوی شاهد افول این موقعیت هستیم. از این رو، به‌منظور باز کسب جایگاه شایسته گذشته، احیا و توسعه علوم انسانی، ورود به علوم انسانی را ضروری می‌سازد؛ بنابراین، می‌توان گفت در بررسی آسیب‌ها و موانع علوم انسانی در ایران، همواره بایستی تلاش‌ها و موفقیت‌ها را در نظر داشته باشیم و تغییر سطح و نسبت فعالیت‌های این عرصه را در مقایسه با قبل از یکسو و چشم‌انداز مطلوب آینده از سوی دیگر به‌صورت توأمان انجام دهیم. جرقه‌های خودباوری و معطوف نمودن نظریه‌های علوم انسانی به مسائل بومی هر چند به‌صورت تدریجی و کند، اما واقعیتی مشهود و ملموس است، لذا شناسایی آسیب‌ها و موانع می‌بایستی در جهت تقویت پتانسیل‌های موجود طرح و تبیین گردند. دانشگاه‌ها در کشورهای درحال توسعه به دلیل فقدان سنت دموکراسی، بی‌ثباتی سیاسی و به‌ویژه وجود بحران‌های علمی در مسیر تجاری‌سازی و کاربردی سازی در معرض خطر بیشتری قرار دارند. در ایران نیز با توجه به ورود دانشگاه‌ها به تجارت، دانش از یک مزیت به یک ضرورت تبدیل شده اما دانشگاه‌های کنونی ما هنوز نتوانسته‌اند به نحوی مؤثر یافته‌های علمی خود را وارد صنعت و بازار تجاری و خدماتی کرده و تعاملی مؤثر بین صنعت (بازار) و دانشگاه برقرار سازند. این موضوع در رشته‌های نظری از قبیل علوم انسانی بیشتر به چشم می‌خورد. به منظور بهره‌مندی اقتصادی و اجتماعی هر چه بیشتر از پتانسیل‌های علمی بخش پژوهشی در علوم انسانی کشور، لازم است کاربردی سازی (تجاری‌سازی) دانش به‌صورت جدی‌تر مورد پی‌گیری قرار گیرد. این کار مستلزم اعمال مدیریت بر گسترش تجاری‌سازی دانش در سطح تأثیر عوامل و الزامات مؤثر بر تجاری‌سازی ایده‌ها و نتایج سازمان‌های تحقیقاتی و دانشگاه‌هاست. در این راستا، لازم است با شناخت دقیق‌تر از شرایط زمینه‌ساز و عوامل کسب و موفقیت در تجاری‌سازی نتایج پژوهش، نسبت به تدوین سیاست‌ها و طراحی برنامه‌های اجرایی مناسب و کارآمد در این زمینه اقدام گردد. از جمله این عوامل و الزامات می‌توان به الزامات محیطی، ساختاری، سیاسی و قانونی، فرهنگی، فردی، اقتصادی و مکانیزم‌های آموزشی و پژوهشی اشاره نمود.

یکی از اساسی‌ترین چالش‌هایی که دانش‌پژوهان و خبرگان علوم انسانی با آن مواجه هستند، عدم وجود زمینه کاری مرتبط با رشته تحصیلی خویش است؛ به‌عبارت‌دیگر، مصداقی برای تجاری‌سازی این علوم در جامعه به‌ندرت وجود دارد. لذا انجام این پژوهش، باعث توسعه و غنای مبانی نظری پژوهش می‌گردد و از آنجایی که به طور تخصصی، موانع کاربرد سازی علوم انسانی در محیط‌های علمی مورد بحث قرار نگرفته بود، لذا انجام این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد. از طرفی، نتایج کاربردی این پژوهش می‌تواند راهکارهای مفیدی در جهت تجاری کردن خدمات و

¹. Kukko

محصولات سازمان‌های علوم انسانی ارائه دهد. یکی از چالش‌هایی که جامعه ما با آن مواجه است، عدم مصداق عینی و کاربرد علوم انسانی در سطح اجتماع می‌باشد. در شکل زیر به مدل مفهومی پژوهش پرداخته شده است.



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر در بخش کیفی، بر اساس هدف نظری می‌باشد. از آنجاکه پژوهش حاضر بر شکل‌دهی چارچوب نظری جدید «تدوین تئوری» تأکید و نیاز به آشکارسازی دانش ضمنی خبرگان در این حوزه دارد از استراتژی داده بنیاد بهره می‌برد. پاسخ به سؤال‌های این تحقیق نیازمند نوعی روش‌شناسی است که بتوان نظرات مدیران و خبرگان سازمان مزبور را که به‌طور معمول داده‌هایی کیفی‌اند بررسی و تحلیل کند. بنابراین از میان رویکردهای نظریه داده بنیاد، رویکرد پارادایمی به دلیل ساختارمندی بیشتر انتخاب گردیده است. به‌منظور اجرای این پژوهش، محقق ابتدا در بخش کیفی، بر اساس مبانی نظری سؤالات مصاحبه را تدوین و بعد از اخذ مجوزهای لازم از سوی دانشگاه یاسوج، به اجرای مصاحبه با افراد مدنظر به شکل حضوری و تلفنی پرداخت. در تحلیل داده‌ها از سه نوع کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است.

مشارکت کنندگان پژوهش در بخش کیفی، شامل کلیه اعضای هیئت‌علمی در دانشگاه یاسوج (مشخصاً اساتید رشته‌های علوم انسانی) بودند که می‌توانستند اطلاعات ارزشمندی در خصوص موضوع تحقیق (موانع کاربردی سازی علوم انسانی) در اختیار پژوهشگر قرار دهند که تعداد آن‌ها ۲۵ نفر است. ویژگی‌های خبرگان پژوهش شامل موارد زیر می‌باشد:

- مرتبط بودن تجربه کاری خبرگان در رشته‌های علوم انسانی
- تسلط نظری، تجربه عملی، تمایل و توانایی مشارکت در پژوهش و دسترسی
- حداقل سابقه ۱۰ سال به‌منظور شرکت در فرآیند پژوهش

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۲۱ نفر (۸۴٪) از پاسخ‌گویان مرد و ۴ نفر (۱۶٪ درصد)، زن بودند. نمونه‌گیری در این روش کیفی، نمونه‌گیری نظری است که به‌صورت هدفمند بوده است و مصاحبه‌شوندگان بر اساس اهداف پژوهش انتخاب می‌شوند. روش نمونه‌گیری نظری غیر تصادفی است و نمونه‌گیری و مصاحبه تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که فرآیند تجزیه و تحلیل و اکتشاف به اشباع نظری برسد. برای انجام این پژوهش از روش کتابخانه‌ای که یکی از روش‌های مورد استفاده در این پژوهش مراجعه به اسناد و مدارک مکتوب از قبیل کتب، مجلات و

سایت‌های علمی بوده است که از نتایج آن در تدوین مبانی نظری پژوهش استفاده شده است. در واقع با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، موانع کاربردی سازی علوم انسانی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. و مصاحبه که برای شناسایی موانع کاربردی سازی علوم انسانی مصاحبه‌های مفصل و عمیقی با متخصصان امر که شامل اساتید دانشگاه بوده‌اند، انجام شده است که از نتایج آن در تهیه فهرست اولیه شاخص‌ها و دسته‌بندی آن‌ها در قالب مؤلفه‌ها و ابعاد مناسب استفاده گردیده است.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها

برای جمع‌آوری اطلاعات در بخش کیفی از روش میدانی و ابزار مصاحبه استفاده شده است. افراد مورد مصاحبه شامل کلیه اعضای هیئت‌علمی در دانشگاه یاسوج (مشخصاً اساتید رشته‌های علوم انسانی) می‌باشد. مصاحبه‌های انجام شده به صورت نیمه ساختارمند بوده یعنی؛ بنا بر مقتضیات شخصیتی، رفتاری و زمان مصاحبه‌ها که در این پژوهش بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه است، ترتیب سوالات می‌تواند تغییر کند و حتی سوالات بازتری از سوی مصاحبه‌گر مطرح شود. مصاحبه‌ها به صورت حضوری و تلفنی انجام شده و جهت تدوین فرآیند مصاحبه چارچوبی تدوین شد که طی آن، پس از معرفی خود و بیان علت مصاحبه، تعریف کلی از موانع کاربردی سازی علوم انسانی عالی بیان شود. در این پژوهش در مجموع با ۲۵ نفر از اعضای هیئت‌علمی در دانشگاه یاسوج (مشخصاً اساتید رشته‌های علوم انسانی) مصاحبه انجام شد. از مصاحبه ۱۶ به بعد تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده شد. به این معنا که نمونه‌گیری پژوهش در مصاحبه نهم به اشباع رسید اما برای اطمینان با ۹ تن دیگر از خبرگان مصاحبه ادامه پیدا کرد. روایی درونی از طریق ارائه نتایج به دست آمده به آزمون‌شوندگان (مشارکت‌کنندگان در پژوهش) بررسی گردید. به طوری که اگر آن‌ها نیز یافته‌ها را مورد تأیید قرار دهند؛ می‌توان نسبت به روایی پژوهش بیشتر مطمئن گردید. از این رو، به منظور افزایش روایی داخلی، پس از انجام هر مصاحبه، الگوی به دست آمده از آن مرحله به افراد ارائه شد و این کار پس از مصاحبه انجام گردید تا مصاحبه، خالی از هرگونه پیش‌فرض و جهت‌گیری انجام شود. در زمینه روایی بیرونی یا انتقال‌پذیری نیز، سعی شد با توجه به تخصص و جایگاه سازمانی هریک از مصاحبه‌شوندگان و لحاظ کردن این موضوع در انتخاب آن‌ها، احتمال انتقال مفاهیم به سایر محیط‌ها افزایش داده شود. برای سنجش پایایی در این پژوهش از روش پایایی باز آزمون^۱ استفاده شد که به میزان سازگاری طبقه‌بندی داده‌ها در طول زمان اشاره دارد. این شاخص را می‌توان زمانی محاسبه کرد که یک کدگذار یک متن را در دو زمان متفاوت کدگذاری کرده باشد. برای محاسبه پایایی باز آزمون از میان مصاحبه‌های انجام گرفته چند مصاحبه به عنوان نمونه انتخاب شده و هر کدام از آن‌ها در یک فاصله زمانی کوتاه و مشخص دوباره کدگذاری می‌شوند؛ سپس کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی برای هر کدام از مصاحبه‌ها با هم مقایسه می‌شوند و از طریق میزان توافقات و عدم توافقات موجود در دو مرحله کدگذاری، شاخص ثبات برای آن پژوهش محاسبه می‌گردد. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در دو فاصله زمانی با هم مشابه هستند با عنوان توافق و کدهای غیرمشابه با عنوان عدم توافق مشخص می‌شوند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی نظریه داده بنیاد چندگانه: نظریه داده بنیاد یکی از راهبردهای پژوهش محسوب می‌شود که از طریق آن نظریه بر مبنای مفاهیم اصلی حاصل از داده‌ها شکل می‌گیرد. یعنی روند شکل‌گیری نظریه در این راهبرد حرکت از جز به کل است. در فرآیند تحلیل نظریه داده‌های مصاحبه‌ای و متنی کدبندی می‌شوند. کدبندی اطلاعات شامل سه مرحله است: کدگذاری باز^۲، کدگذاری محوری^۳ و کدگذاری گزینشی یا انتخابی^۴. کدبندی باز در دو مرحله کدبندی اولیه و کدبندی ثانویه صورت می‌گیرد. کدبندی اولیه می‌تواند با کدگذاری سطر به سطر، عبارت به عبارت یا پاراگراف به پاراگراف داده‌ها انجام شود. به هر کدام از آن‌ها یک مفهوم یا کد الصاق می‌شود. در کدگذاری ثانویه با مقایسه مفاهیم، موارد مشابه و مشترک در قالب مقوله‌ای واحد قرار می‌گیرد؛ بنابراین انبوه داده‌ها (کدها - مفاهیم) به تعداد مشخص و محدودی از مقوله‌های عمده کاهش می‌یابد. سپس این مقوله‌ها در کنار یکدیگر قرار گرفته و به هم ارتباط می‌یابند. داده‌های حاصل از تحقیق در بخش کیفی به وسیله نرم‌افزار NVIVO ویراست ۱۱ مورد تحلیل قرار گرفت.

1. Re-Test Reliability

2. Open Coding

3. Axial Coding

4. Selective Coding

یافته‌ها

در مرحله کدگذاری باز، محقق با مرور مجموعه داده‌های گردآوری شده، تلاش می‌کند که مفاهیم مستتر در مصاحبه‌ها را باز شناسد. این مرحله از کدگذاری، کدگذاری باز نامیده می‌شود، چراکه محقق با ذهنی باز به نام‌گذاری مفاهیم پرداخته و محدودیتی برای تعیین کدها قائل نیست. هدف از کدگذاری باز، تجزیه مجموعه داده‌های کیفی گردآوری شده به کوچک‌ترین اجزای مفهومی ممکن است. در جداول بعدی، به شرح و بررسی کدگذاری‌های باز پرداخته شده است. در کدگذاری باز، کوچک‌ترین واحدهای مفهومی در داده‌های کیفی گردآوری شده از طریق مصاحبه با رویکرد اکتشافی استخراج می‌شوند. در ابتدا پس از بررسی داده‌های به دست آمده از متن ۲۵ مورد مصاحبه انجام شده، ۵۲ عدد کد باز و ۹ مقوله، طبق جدول ۱ استخراج گردید.

جدول ۱- کدگذاری باز و انتخابی (گزینشی) موانع کاربردی سازی علوم انسانی

مؤلفه‌ها	کدهای انتخابی	کدهای باز
عوامل زمینه‌ای عدم کاربردی سازی علوم انسانی	موانع حمایتی	کم‌توجهی و پشتیبانی نکردن از متفکران، متخصصان و پژوهشگران؛ اختصاص اندک بودجه به پژوهش و نظریه‌پردازی؛ حمایت نکردن دانشگاه و دولت از تولید دانش نو و نظریه‌پردازی، فقدان تشویق و حمایت مالی از سوی دولت، سازمان‌ها و نهادها، عدم ورود رشته‌های علوم انسانی به شرکت‌های تولیدی و دانش‌بنیان؛ عدم بسته حمایتی شرکت‌های تولیدی و دانش‌بنیان در حوزه علوم انسانی؛ عدم حمایت از نمونه محصول و خدمت در حوزه علوم انسانی عدم حمایت از ترویج فعالیت‌های شرکت‌های دانش‌بنیان در رشته‌های علوم انسانی در رسانه‌ها؛ عدم امکان اختصاص فضا و تجهیزات به شرکت‌های دانش‌بنیان زایشی در حوزه علوم انسانی؛ عدم امکان تخصیص منابع مالی و وام در حوزه علوم انسانی کمبود تعداد متفکران و نظریه‌پردازان در علوم انسانی و اجتماعی؛ عدم ارتقای مهارت‌های اساتید و پژوهشگران و کارآفرینان در حوزه نظریه‌پردازی علوم انسانی؛ عدم تبدیل ایده‌های علمی و پژوهشی به محصول و خدمات اقتصادی
شرایط علی عدم کاربردی سازی علوم انسانی	موانع اقتصادی- مالی	به‌صرفه نبودن کار علمی به خصوص نظریه‌پردازی بر اساس قاعده هزینه سودمندی، فضای تورم و رکود و سخت شدن شرایط زندگی و به فراموشی سپرده شدن نظریه‌پردازی، فقدان بازار هدف مناسب و اقتصادی
عوامل زمینه‌ای عدم کاربردی سازی علوم انسانی	موانع فرهنگی	توجه ناکافی به فرهنگ بومی در نظریه‌پردازی؛ ضعف فرهنگ گفت‌وگو و مباحثه؛ تطابق کم اولویت‌های رسمی کشور با اولویت‌های واقعی؛ اعتقاد به قالب‌های بسته، اقتدارگرا و از پیش موجود و مخالفت با بدعت‌گذاری؛
عوامل مداخله‌گر عدم کاربردی سازی علوم انسانی	موانع سیاسی	در اولویت نبودن نظریه‌پردازی نسبت به دیگر دغدغه‌ها و مسائل در جامعه؛ وجود سوگیری‌های سیاسی و حمایت‌های ایدئولوژیکی در نظام پژوهشی.
شرایط علی عدم کاربردی سازی علوم انسانی	موانع ساختاری	کهنه اندیشی و جزئی‌نگری، به‌جای تلاش برای نوآوری و آفرینش دانش بومی، عدم تفکر انتقادی و خلاق در حوزه پژوهش-عدم احساس نیاز اساتید به نظریه‌پردازی و نوآوری-اکتفای بسیاری از استادان و مدرسان روش تحقیق علوم رفتاری و اجتماعی به ترجمه و اقتباس از آثار خارجی- تسری روش پژوهش علوم تجربی با رویکرد متفاوت و ناقص به روش پژوهش علوم انسانی- تخصیص سنتی امکانات ناچیز به پژوهش‌های علوم اجتماعی، نظریه‌پردازی و نوآوری
شرایط علی عدم کاربردی سازی علوم انسانی	موانع کاربردی	چالش‌های مسیر گذار از سلطه پارادایم‌های سنتی به پارادایم‌های جدید- ناتوانی در اصلاح و انطباق نظریه‌ها با واقعیت‌ها -تکیه بر فهم شهودی و باطنی- ناتوانی پژوهشگران و مدیران در تلفیق نظریه با عمل
پیامدهای عدم کاربردی سازی علوم انسانی	موانع انگیزشی	برخوردهای بوروکراتیک، موردی و موضعی با پژوهشگران، متفکران و اساتید و تضییع توان علمی و پژوهشی آن‌ها- کم‌توجهی و بی‌مهری نسبت به استادان، متفکرین و پژوهشگران متمایل به کارهای علمی بنیادین
عوامل مداخله‌گر عدم کاربردی سازی علوم انسانی	موانع فردی	ضعف تفکر فلسفی و انتقادی در میان اعضای هیئت علمی- بی‌انگیزگی برای نظریه‌پردازی و تولید دانش نو-احساس ترس پژوهشگران از بیان حقایق و غلبه فرهنگ محافظه‌کاری-اعتماد به نفس و خودباوری کم برای نظریه‌پردازی-آشنایی ناکافی با نظریه‌پردازی-علاقه ناکافی به نظریه‌پردازی - درک ناکافی از ضرورت نظریه‌پردازی

مؤلفه‌ها	کدهای انتخابی	کدهای باز
عوامل زمینه‌ای عدم کاربردی سازی علوم انسانی	موانع روان‌شناختی	تأکید بر کمیت پژوهش‌ها در علوم انسانی و اجتماعی و توجه کمتر به کیفیت آن‌ها- بی‌توجهی به جایگاه و مفهوم نظریه و نظریه‌پردازی در علوم انسانی و اجتماعی - نبود شناسایی دقیق مسائل و اولویت‌بندی پژوهشی - نبود هماهنگی مسئله پژوهش و روش آن - ناکافی بودن مهارت استادان در روش‌شناسی و چگونگی فرآیند نظریه‌پردازی
راهبردهای عدم کاربردی سازی علوم انسانی	موانع آموزشی	وجود آموزش‌های سنتی و تقلیدی و فاقد خلاقیت و نوآوری؛ تأکید پیشکسوتان این حوزه‌ها بر دیدگاه‌های سنتی و پوزیتیویستی و مقاومت آن‌ها برای پذیرش نظریه‌های تازه، تأکید بر آثار ترجمه‌ای و فقدان احساس نیاز آن‌ها به تولید آثار تألیفی، کمبود متخصصان در حوزه ابعاد نظری و شناختی؛ توجه بیش‌ازحد به دروس و شرح درس‌ها به ابعاد کاربردی و فن؛ نبود درسی در ارتباط با فرآیند نظریه‌پردازی در میان سرفصل‌های درسی؛ کمبود منابع برای یادگیری ابعاد نظری و شناختی در حوزه علوم انسانی

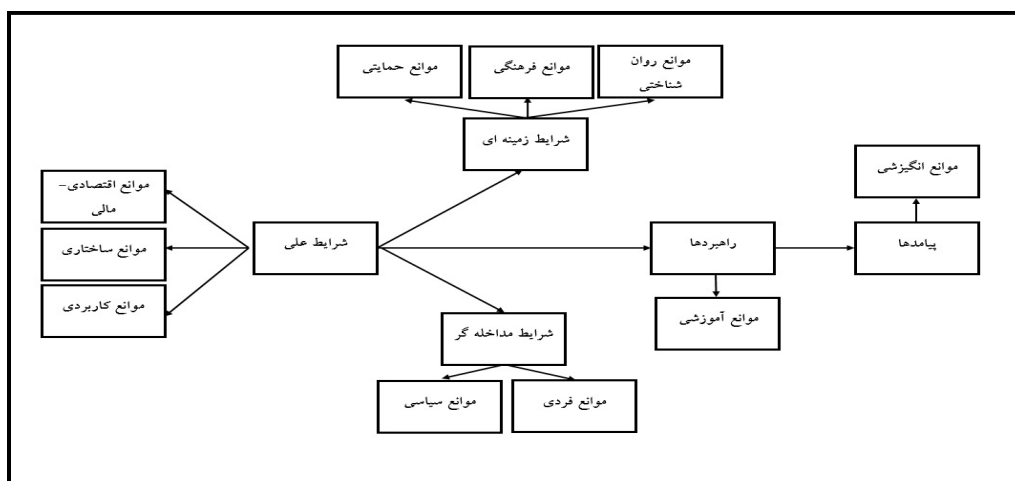
کدگذاری محوری: در کدگذاری محوری، مقوله‌های جدا از هم در چهارچوبی معنادار در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و روابط میان آن‌ها، به‌ویژه رابطه مقوله محوری با سایر مقوله‌ها، مشخص می‌شود. هدف از این مرحله از کدگذاری، برقراری رابطه بین طبقه‌های تولیدشده در مرحله کدگذاری باز است و به نظریه‌پرداز کمک می‌کند که فرآیند ایجاد نظریه را به‌آسانی انجام دهد. کدگذاری محوری، منجر به ایجاد گروه‌ها و مقوله‌ها می‌شود. تمامی کدهای مشابه در گروه خاص خود قرار می‌گیرند. نتایج حاصل از کدگذاری محوری در جدول ۲ نشان داده شده است. مشاهده می‌گردد، ۵۲ کد اولیه در قالب ۹ مقوله دسته‌بندی شده‌اند.

جدول ۲- کدگذاری محوری موانع کاربردی سازی علوم انسانی

تعداد ارجاعات	مفاهیم	زیر مقوله (مقوله فرعی)
۴	کم‌توجهی و پشتیبانی نکردن از متفکران، متخصصان و پژوهشگران؛	موانع حمایتی
۵	اختصاص اندک بودجه به پژوهش و نظریه‌پردازی	
۴	حمایت نکردن دانشگاه و دولت از تولید دانش نو و نظریه‌پردازی	
۶	فقدان تشویق و حمایت مالی از سوی دولت، سازمان‌ها و نهادها	
۱۱	کمبود تعداد متفکران و نظریه‌پردازان در علوم انسانی و اجتماعی	
۱۲	عدم ورود رشته‌های علوم انسانی به شرکت‌های تولیدی و دانش‌بنیان	
۷	عدم بسته حمایتی شرکت‌های تولیدی و دانش‌بنیان در حوزه علوم انسانی	
۶	عدم حمایت از نمونه محصول و خدمت در حوزه علوم انسانی	
۸	عدم حمایت از ترویج فعالیت‌های شرکت‌های دانش‌بنیان در رشته‌های علوم انسانی در رسانه‌ها	
۷	عدم امکان اختصاص فضا و تجهیزات به شرکت‌های دانش‌بنیان زایشی در حوزه علوم انسانی	
۵	عدم امکان تخصیص منابع مالی و وام در حوزه علوم انسانی	موانع اقتصادی- مالی
۸	عدم ارتقای مهارت‌های اساتید و پژوهشگران و کارآفرینان در حوزه نظریه‌پردازی علوم انسانی؛	
۹	عدم تبدیل ایده‌های علمی و پژوهشی به محصولات اقتصادی	
۶	به‌صرفه نبودن کار علمی به‌خصوص نظریه‌پردازی بر اساس قاعده هزینه سودمندی	
۷	فضای تورم و رکود و سخت شدن شرایط زندگی و به فراموشی سپرده شدن نظریه‌پردازی	موانع فرهنگی
۶	فقدان بازار هدف مناسب و اقتصادی	
۷	توجه ناکافی به فرهنگ بومی در نظریه‌پردازی؛	
۷	تطابق کم اولویت‌های رسمی کشور با اولویت‌های واقعی؛	موانع سیاسی
۵	اعتقاد به قالب‌های بسته، اقتدارگرا و از پیش موجود و مخالفت با بدعت‌گذاری؛	
۶	ضعف فرهنگ گفت‌وگو و مباحثه؛	
۷	در اولویت نبودن نظریه‌پردازی نسبت به دیگر دغدغه‌ها و مسائل در جامعه؛	موانع ساختاری
۸	وجود سوگیری‌های سیاسی و حمایت‌های ایدئولوژیکی در نظام پژوهشی.	
۴	کهنه اندیشی و جزئی‌نگری، به‌جای تلاش برای نوآوری و آفرینش دانش بومی	
۶	عدم احساس نیاز اساتید به نظریه‌پردازی و نوآوری	
۶	اکتفای بسیاری از استادان و مدرسان روش تحقیق علوم رفتاری و اجتماعی به ترجمه و اقتباس از آثار خارجی	

تعداد ارجاعات	مفاهیم	زیر مقوله (مقوله فرعی)
۵	تسری روش پژوهش علوم تجربی با رویکرد متفاوت و ناقص به روش پژوهش علوم انسانی	
۱۰	تخصیص سنتی امکانات ناچیز به پژوهش‌های علوم اجتماعی، نظریه‌پردازی و نوآوری	
۴	عدم تفکر انتقادی و خلاق در حوزه پژوهش	
۷	چالش‌های مسیر گذار از سلطه پارادیم‌های سنتی به پارادیم‌های جدید	موانع کاربردی
۸	ناتوانی در اصلاح و انطباق نظریه‌ها با واقعیت‌ها	
۷	تکیه بر فهم شهودی و باطنی - ناتوانی پژوهشگران و مدیران در تلفیق نظریه با عمل	
۴	برخوردهای بوروکراتیک، موردی و موضعی با پژوهشگران، متفکران و اساتید و تضییع توان علمی و پژوهشی آن‌ها	موانع انگیزشی
۴	کم‌توجهی و بی‌مهری نسبت به استادان، متفکرین و پژوهشگران متمایل به کارهای علمی بنیادین	
۵	ضعف تفکر فلسفی و انتقادی در میان اعضای هیئت علمی؛	
۶	بی‌انگیزگی برای نظریه‌پردازی و تولید دانش نو	
۷	احساس ترس پژوهشگران از بیان حقایق و غلبه فرهنگ محافظه‌کاری	
۳	اعتماد به نفس و خودباوری کم برای نظریه‌پردازی	موانع فردی
۵	آشنایی ناکافی با نظریه‌پردازی	
۶	علاقه ناکافی به نظریه‌پردازی	
۶	درک ناکافی از ضرورت نظریه‌پردازی	
۸	تأکید بر کمیت پژوهش‌ها در علوم انسانی و اجتماعی و توجه کمتر به کیفیت آن‌ها	
۶	بی‌توجهی به جایگاه و مفهوم نظریه و نظریه‌پردازی در علوم انسانی و اجتماعی	موانع روان‌شناختی
۷	نبود شناسایی دقیق مسائل و اولویت‌بندی پژوهشی	
۷	نبود هماهنگی مسئله پژوهش و روش آن	
۹	ناکافی بودن مهارت استادان در روش‌شناسی و چگونگی فرآیند نظریه‌پردازی	
۵	وجود آموزش‌های سنتی و تقلیدی و فاقد خلاقیت و نوآوری؛	
۶	تأکید پیشکسوتان این حوزه‌ها بر دیدگاه‌های سنتی و پوزیتیویستی و مقاومت آن‌ها برای پذیرش نظریه‌های تازه	
۷	تأکید بر آثار ترجمه‌ای و فقدان احساس نیاز آن‌ها به تولید آثار تألیفی	موانع آموزشی
۸	کمبود متخصصان در حوزه ابعاد نظری و شناختی	
۸	توجه بیش‌ازحد به دروس و شرح درس‌ها به ابعاد کاربردی و فن	
۵	نبود درسی در ارتباط با فرآیند نظریه‌پردازی در میان سرفصل‌های درسی	
۱۱	کمبود منابع برای یادگیری ابعاد نظری و شناختی در حوزه علوم انسانی	

بر اساس جدول (۲) الگویی از موانع کاربردی سازی علوم انسانی در شکل زیر ارائه می‌شود:



شکل ۲- مدل داده بنیاد کاربردی سازی علوم انسانی

مضافاً باید گفت که یافته‌های پژوهش حاضر با مبانی نظری، پیشینه پژوهشی و نظر متخصصان کلیدی که قبل از انجام مصاحبه گردآوری شده، دارای هم‌پوشانی می‌باشد که نشان‌دهنده تأیید اعتبار پژوهش بر اساس شیوه همسوسازی می‌باشد (جدول ۳).

جدول ۳- همسوسازی داده‌های کیفی

پژوهشگر	چالش‌ها و موانع نظریه‌پردازی در علوم انسانی و اجتماعی
موسوی (۱۳۸۲)	گرایش‌های ایدئولوژیک علوم اجتماعی، نبود اتفاق نظر در مورد مبانی روش شناختی و ابزارگرایی
فاضلی (۱۳۸۴)	تفاوت‌های رشته‌ای، گفتمانی و اجتماعی در علوم انسانی ایرانی و غربی و محدودیت‌های گفتمانی و اجتماعی نشر مقالات ایرانی در مجلات
صداقتی فرد (۱۳۸۵)	سوء مدیریت علمی و برنامه‌ریزی، کمبود منابع مالی، عدم سلامت ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی.
پاریاد (۱۳۸۵)	فقر پژوهش‌های کیفی، نظریه‌پردازی و مطالعات بنیادی
پاک‌سرشت (۱۳۸۶)	بوروکراتیک بودن نظام تربیتی ایران، عدم ارتباط بین نظر و عمل در نظام تربیتی، وجود شکاف بین عرضه و تقاضا در نظام تربیتی ایران، عدم نظرخواهی از صاحبان اندیشه، عدم گردهمایی سالانه به منظور رفع مشکلات نظام آموزشی ایران
رحیمی و عباسی (۱۳۸۷)	نبود اجتماع علمی قوی، نبود رابطه پویا بین جامعه و جامعه‌شناسی، وابستگی علمی جامعه‌شناسی به خارج
دانایی فرد (۱۳۸۸)	موانع ذاتی، موانع درون‌حوزه‌ای و موانع فرا حوزه‌ای
پورعزت و همکاران (۱۳۸۸)	موانع ساختاری، کارکردی، انگیزشی و فرهنگی جوامع علمی
میرزایی رافع (۱۳۹۰)	عوامل فردی، عوامل اجتماعی، ارزش شناختی، روش شناختی و معرفت‌شناختی
یوسف پور و رافع پور (۱۳۹۲)	مقایسه علوم انسانی با علوم پایه؛ دایره المعارف‌گرایی در علوم انسانی؛ ماهیت مسائل علوم انسانی؛ استاندارد‌گرایی در علوم انسانی
فضل الهی قمشی و جهانبخشی (۱۳۹۵)	مرسوم نبودن مناظره‌های علمی در محیط‌های آکادمیک، بوروکراسی حاکم در تصویب نظریه‌های پیشنهادی، تبدیل نشدن تفکر خلاق و انتقادی در فرهنگ علمی دانشگاه‌ها به یک ارزش والا، عدم حمایت از نظریات ارائه شده، احساس فقدان فرهنگ مناسب برای پذیرش، احترام قائل شدن به نظرات صاحب‌نظران، عدم استفاده از توان متخصصان برای حل مشکلات سازمان‌ها، تأکید بر آموزش محوری به جای پژوهش محوری، عدم شناخت از اهداف و ساختار کرسی‌های نظریه‌پردازی، فقدان امکانات و تسهیلات

به‌منظور سنجش پایایی مدل طراحی‌شده از شاخص کاپا^۱ استفاده شده است. بدین طریق که شخص دیگری (از نخبگان این رشته)، بدون اطلاع از نحوه ادغام کدها و مفاهیم ایجادشده توسط محقق، اقدام به دسته‌بندی کدها در مفاهیم کرده است. سپس مفاهیم ارائه شده توسط محقق با مفاهیم ارائه شده

1. kappa

توسط این فرد مقایسه شده است. در نهایت با توجه به تعداد مفاهیم ایجاد شده مشابه و مفاهیم ایجاد شده متفاوت، شاخص کاپا محاسبه شده است. همان طور که در جدول ۴ مشاهده می‌گردد، محقق ۶ مقوله و فرد دیگر ۵ مقوله ایجاد کرده‌اند که از این تعداد ۴ مقوله مشترک هستند.

جدول ۴- وضعیت تبدیل کدها به مفاهیم توسط محقق و فرد دیگر

نظر محقق	نظر محقق		مجموع
	بله	خیر	
نظر فرد	بله	A=۴ B=۱	۵
دیگر	خیر	C=۲ D=۰	۲

$$\text{مشاهده شده} = \frac{A+D}{N} = \frac{4}{5} = 0.8$$

$$\text{توافقات شانسی} = \frac{A+B}{N} \times \frac{A+C}{N} \times \frac{C+D}{N} \times \frac{B+D}{N} = \frac{5}{5} \times \frac{5}{5} \times \frac{2}{5} \times \frac{1}{5} = 0.04$$

$$K = \frac{\text{توافقات شانسی} - \text{توافقات مشاهده شده}}{1 - \text{توافقات شانسی}} = \frac{0.8 - 0.04}{1 - 0.04} = 0.85$$

جدول ۵- وضعیت شاخص کاپا

مقدار عددی شاخص کاپا	وضعیت توافق
کمتر از صفر	ضعیف
بین ۰ تا ۰/۲	بی‌اهمیت
بین ۰/۲ تا ۰/۴	متوسط
بین ۰/۴ تا ۰/۶	مناسب
بین ۰/۶ تا ۰/۸	معتبر
بین ۰/۸ تا ۱	عالی

همان طور که دیده می‌شود مقدار شاخص کاپا برابر با ۰/۸۵ محاسبه شد که با توجه به نتایج در سطح توافق معتبر قرار گرفته است.

بحث

تحقیق حاضر باهدف بررسی موانع کاربردی سازی علوم انسانی از دیدگاه اساتید مراکز آموزش عالی دانشگاه یاسوج انجام شده است، نتایج هر تحقیق گویای جنبه کاربردی آن می‌باشد. با توجه به مصاحبه‌های انجام شده و نظرات به‌دست‌آمده از خبرگان، در نهایت ۱۰ مقوله موانع حمایتی، موانع اقتصادی-مالی، موانع فرهنگی، موانع سیاسی، موانع ساختاری، موانع کاربردی، موانع انگیزشی، موانع فردی، موانع روان‌شناختی و موانع آموزشی استخراج شده است؛ که این مقوله‌ها بر اساس شناختی که خبرگان نسبت به کاربردی سازی علوم انسانی داشته‌اند، به‌دست‌آمده است. نتایج تحقیق نشان داد مقوله عوامل زمینه‌ای با تعداد ۲۱ تکرار مفهوم در رتبه اول می‌باشد، شرایط علی با ۱۲ مفهوم در رتبه دوم می‌باشد و شرایط مداخله‌گر با تعداد ۱۰ مفهوم در رتبه سوم قرار دارد. همچنین، نتایج نشان داد عوامل علی شامل مقوله‌های موانع اقتصادی-مالی، موانع ساختاری و موانع کاربردی و ۱۲ کد باز می‌باشد. عوامل زمینه‌ای شامل مقوله‌های موانع حمایتی، موانع فرهنگی و موانع روان‌شناختی و ۲۱ کد باز می‌باشد. شرایط مداخله‌گر شامل مقوله‌های موانع سیاسی و موانع فردی و ۱۰ کد باز می‌باشد. راهبردها شامل مقوله موانع آموزشی و ۷ کد باز می‌باشد. پیامد شامل مقوله موانع انگیزشی و ۲ کد باز می‌باشد. نتایج حاصل از این یافته با نتایج پژوهش‌های حسینی و همکاران (۱۳۹۷)، فنادی نژاد و یاری (۱۳۹۶)، میرزایی و همکاران (۱۳۹۰)، خیاط مقدم، رستگار (۱۳۹۳)، ساندرا نوتلی (۲۰۰۳)، والتر و همکاران (۲۰۰۳)، راگاسا (۲۰۱۱)، سولو^۱ و همکاران (۲۰۱۲)، مان و همکاران^۲ (۲۰۱۸) و نریمانی و همکاران (۱۳۹۶)، همخوانی دارد.

در تبیین و توجیه این سؤال می‌توان گفت علوم انسانی به دلایل مختلف مورد غفلت واقع گردیده است. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل این غفلت، این تصور است که علوم انسانی اساساً برای توسعه شخصی افراد سودمند است و فاقد آثار عملی برای مسائل و موضوعات اجتماعی و اقتصادی افراد است. لذا با وجودی

¹ Sulo

² Mann et al

که شواهد علمی بیانگر بالا بودن نرخ بازده سرمایه‌گذاری در علوم انسانی است، عدم توفیق دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در تدارک منابع مالی و سرمایه‌گذاری کافی در علوم انسانی در مقایسه با سایر زمینه‌های علوم، امکان بهره‌گیری از حداکثر پتانسیل‌ها را در این حوزه سلب نموده است. در واقع یکی از موانع عمده بر سر راه کاربرد علمی علوم انسانی، تخصیص منابع مالی اندک برای تحقیق در این علوم از سوی مؤسسات دولتی و غیردولتی است. شاید به همین دلیل است که به جلب نظر توده مردم نسبت به اهمیت و اعتبار علوم انسانی در نظام آموزشی بسیار مشکل به نظر می‌رسد. به عقیده او مهم‌ترین دلیل برای تضعیف جایگاه علوم انسانی در اذهان مردم سیاست‌های غلط آموزشی و عدم معرفی صحیح منزلت و اعتبار این حوزه از علم و معرفت به افراد و گروه‌های اجتماعی است. در راستای نتایج حاصل از این سؤال نتایج حیدری و قناعی نژاد (۱۳۹۷)، نشان داد که مهم‌ترین موانع نظریه‌پردازی در علوم انسانی و اجتماعی به ترتیب عبارت‌اند از: موانع فرهنگی - سیاسی، موانع اجتماعی، موانع اقتصادی، حمایتی و مالی، موانع قانونی - سازمانی، موانع آموزشی، موانع روش‌شناختی (پژوهشی) و موانع فردی - روان‌شناختی. بر اساس حسینی و همکاران (۱۳۹۷)، در نهایت، ۷ بعد عبارت از فرهنگ کارآفرینی، نقش دولت، ساختار دانشگاه‌ها، شیوه آموزشی دانشگاه، تحقیق و تجاری‌سازی، ارتباطات بیرونی و زیرساخت مالی برای توسعه دانشگاه کارآفرین در حوزه علوم انسانی شناسایی شد. و بر اساس نتایج قنادی نژاد و یاری (۱۳۹۶)، مهم‌ترین راه‌کارها از دیدگاه اساتید حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی، شامل راهکارهای فردی - رفتاری، فرهنگی - اجتماعی و فناورانه هستند. و بر اساس نتایج میرزایی و همکاران (۱۳۹۰)، موانع فعالیت‌های پژوهش کاربردی عبارت است از موانع مدیریت و سیاست‌گذاری پژوهش‌ها، سازمان، مقررات و پژوهش، انگیزه‌های فرهنگی، پشتیبانی و امکانات پژوهش، نظام و ساختار آموزشی، سیاست و ساختار و موانع مالی و اداری. هم‌چنین، خیاط مقدم، و رستگار (۱۳۹۳)، نشان دادند که در حوزه علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد راهکارهای ساختاری در وضعیت نامناسب‌تری نسبت به سایر ارائه راهکارها قرار دارند و راهکارهای محیطی و مدیریتی به‌طور مشترک در جایگاه دوم و راهکارهای قانونی در جایگاه سوم قرار دارند. نتایج ساندرا نوتلی (۲۰۰۳)، نشان داد که موانع کاربردی سازی علوم انسانی می‌تواند به نوع توجه دولت‌ها ارتباط داشته باشد. زمانی که دولت‌ها به علوم انسانی بها بدهند می‌توان کاربردی سازی را هموار نمود. هم‌چنین، والتر و همکاران (۲۰۰۳)، در تحقیقی به بررسی موانع کاربردی سازی علوم انسانی پرداختند. این پژوهش عوامل مداخله‌گر را بر حسب مکانیسم‌های زیرین و چهارچوب‌های نظری‌شان طبقه‌بندی نموده و در یک گروه قرار داده، این مکانیسم‌ها عبارت‌اند از اشاعه آموزش، نفوذ اجتماعی، همکاری بین محققین و کاربران، محرک‌ها، تقویت، تسهیل و ابتکارات چندوجهی. هم‌چنین، راگاسا (۲۰۱۱)، در پژوهش خود، موانع پژوهش و تولید علم را عوامل فردی بیان نمود. هم‌چنین، سولو و همکاران (۲۰۱۲)، در پژوهش خود، محیط پژوهش‌ها را موانع اصلی تولید علم و نظریه‌پردازی دانسته‌اند. از اینرو، مان و همکاران^۱ (۲۰۱۸)، معتقدند که عواملی که می‌تواند کاربردی سازی علوم انسانی را در پی داشته باشد، به گرایش افراد، توجه به آینده شغلی این علوم و توجه و سرمایه‌گذاری دولت‌ها ارتباط دارد. سکاران (۲۰۱۸)، عواملی را که بر انتخاب راهبرد تجاری‌سازی و کاربردی سازی در دانشگاه تأثیر می‌گذارد، در چهار دسته قرار داده است، که شامل: عوامل سازمانی، عوامل نهادی، عوامل شخصی و عوامل محیطی می‌باشد. نتایج پژوهش (نریمانی و همکاران، ۱۳۹۶). ایجاد مدل شناسایی عوامل و موانع برون‌سازمانی دانشگاه در تجاری‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی است، که بر اساس آن، عوامل قانونی، اسناد فرادستی، ساختار دولتی، حمایتی، صنعتی، فرهنگی، آموزشی و موانع ذاتی در سه دسته کلی دولتی، غیردولتی و نهادی دسته‌بندی شدند.

در هر تحقیق خصوصاً تحقیقات میدانی محقق با محدودیت‌هایی مواجه می‌گردد، که تعدادی از این محدودیت‌ها قابل کنترل بوده و محقق جهت حذف و یا کاهش اثرات آن‌ها تدابیری می‌اندیشد؛ اما تعدادی دیگر نیز وجود دارد که غیرقابل کنترل است. این پژوهش نیز از این امر مستثنا نبوده و دارای محدودیت‌هایی به شرح زیر می‌باشد.

- یکی از مشکلات مهم فرا روی پژوهشگر جلب همکاری و اعتماد و اطمینان خبرگان بود.
- یکی از محدودیت‌های متداول در تحقیقاتی که مشارکت‌کنندگان آن اساتید و اعضای هیئت‌علمی است، به‌ویژه پژوهش‌هایی که به روش کیفی انجام می‌شود، گرفتاری‌های شغلی این افراد و مشکلات مربوط به تنظیم زمان مصاحبه‌ها است. در این پژوهش نیز تغییر زمان مصاحبه و هماهنگی مجدد آن‌ها بارها اتفاق افتاد و این امر، بر زمان‌بندی کار اثر نامطلوبی می‌گذارد.
- شرایط همه‌گیری جهانی ویروس کووید-۱۹ که هنگام جمع‌آوری داده‌های پژوهش و انجام مصاحبه‌ها پیش آمد و الزام به رعایت قوانین فاصله‌گذاری اجتماعی، سبب شد که تعدادی از مصاحبه‌های انجام‌شده به‌صورت غیرحضور و تلفنی صورت گیرد.
- عدم رعایت برخی دستورالعمل‌های پاسخگویی و ارائه پاسخ‌های ناقص توسط پاسخگویان
- عدم دسترسی به خبرگان مسلط بر حوزه علوم انسانی
- مهم‌ترین محدودیت این پژوهش، کمبود منابع علمی مناسب داخلی مرتبط؛ و نیز پیش‌بینی عدم دسترسی راحت و آسان به نمونه آماری پژوهش و به دست آوردن برخی اطلاعات.

¹ Mann et al

در راستای پیشنهادات کاربردی پژوهش و با توجه به نتایج پژوهش عوامل زمینه‌ای در عدم کاربردی سازی علوم انسانی شامل ۳ مقوله موانع حمایتی، موانع فرهنگی و موانع روان‌شناختی می‌باشد. در این راستا پیشنهاد می‌شود:

- تدوین سیاست‌های تولید علوم انسانی اسلامی بومی از ضرورت‌های غیرقابل‌انکار است. در این خصوص لازم است به‌منظور هماهنگی کلیه دستگاه‌های ذی‌ربط، از جمله وزارت علوم و مراکز آموزشی و پژوهشی وابسته، به تدوین اهداف و سیاست‌های روشن و هماهنگ اقدام کنند تا محصول فعالیت دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، تقویت شود و تمایلات عمومی به‌سوی تولید علوم کارآمد بر پایه معارف اسلامی و ناظر به نیازهای بومی و ایجاد خلاقیت و نشاط در جامعه علمی کشور باشد.

- تدوین یک بانک اطلاعاتی در رابطه با ماهیت و کارکرد و اهمیت رشته‌های علوم انسانی و ارائه توضیح کافی در مورد تک‌تک رشته‌ها و زمینه‌سازی آشنایی افراد با آن‌ها در عمل با توجه به نتایج پژوهش شرایط مداخله‌گر مؤثر بر عدم کاربردی سازی علوم انسانی شامل ۲ مقوله موانع سیاسی و موانع فردی می‌باشد. در این راستا پیشنهاد می‌شود:

- اصلاح سیستم مدیریت و استفاده از مدیرانی که حتی‌المقدور با مبانی علمی علوم انسانی آشنایی داشته و از اهمیت و نقش آن آگاه باشند.
- ارزیابی مستمر و علمی کارایی درونی و بیرونی این دوره‌ها و تعیین نقاط ضعف و قوت دوره‌های تحصیلی علوم انسانی
- از بین بردن محدودیت‌های علمی و تدارک فرصت‌های علمی با کیفیت بالا برای اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان این علوم می‌باشد.

نتیجه‌گیری

حوزه علوم انسانی نقش کلیدی در پیشرفت و ترقی کشور دارد. این رشته‌ها برای تولید دانش مورد نیاز جامعه در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی اهمیت وافری دارند؛ اما همان‌طور که استدلال شد، این رشته‌ها بنا به ماهیت خود در تولید ذاتاً کند هستند و سوژه مورد مطالعه آن‌ها ماهیتی نرم دارند، نه سخت. جدای از این، نمی‌توان سوژه مورد مطالعه را در آزمایشگاه اسیر کرد. از طرف دیگر جدای از این موانع ذاتی، موانع زیادی بر سر راه تولید علوم انسانی است که تا مرتفع نشود، وضعیت کنونی ادامه خواهد یافت. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که کیفیت فعلی آموزش عالی به طور اعم و کیفیت حوزه علوم انسانی به طور اخص به‌شدت متأثر از مجموعه عوامل و شرایط محیط بیرونی و درونی مراکز دانشگاهی است. این عوامل در هر دو سطح کلان و خرد قابل توجه هستند. علی‌رغم تأکید رسالت‌ها و اهداف دانشگاه‌ها و مراکز عالی و پژوهشی کشور مبنی بر آموزش و تأمین دانش‌آموختگان و تحصیل‌کردگان مورد نیاز جامعه در بخش‌های مختلف، مشارکت در تولید علم و نوآوری و گسترش فنون، مهارت‌ها و ارتقای علمی و فرهنگی جامعه که در منشور ساختار نوین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تجلی یافته است، هنوز چالش‌های مهمی نظام آموزش عالی کشور را از نیل به اهداف استراتژیکی بازداشته است که ریشه بسیاری از آن‌ها را باید در خود سازمان، ساختار و سبک رهبری و مدیریت نظام آموزش عالی جستجو نمود. عدم وجود درک و تلقی درستی از ماهیت و اعتبار حوزه علوم انسانی و نقش انکارناپذیر و حیاتی آن در مطالعه ریشه‌یابی و حل بحران‌ها، معضلات حاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه از یک‌سو و غیر مثبت خواندن و غیردقیق خواندن آن در مقایسه با حوزه نامحسوس مادی و فیزیکی علم از سوی دیگر سبب شده است تا مسئولان نظام آموزش عالی به صورت بسیار نازلی با مقوله علوم انسانی در دانشگاه‌ها برخورد نمایند. بنابراین از جهات مختلف ساختاری و اداری، آموزشی و پژوهشی، فنی و تخصصی، چالش‌های متعددی در سر راه اصلاح و توسعه علوم انسانی در دانشگاه‌ها وجود دارد که زمینه کاهش سطح کیفیت علمی، آموزشی و پژوهشی را در حوزه علوم انسانی فراهم نموده است. به همین دلیل، در راستای بهبود وضعیت موجود و رفع تنگناهای نظام آموزش عالی عموماً و در حوزه علوم انسانی به طور خاص، ایجاد تغییرات اساسی در بسیاری از رویکردهای اداری، اجرایی، آموزشی و پژوهشی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. چرا که اصولاً طرح انتظارات جدید و توقع برآورده شدن آن‌ها از ساختاری که ناکارآمدی آن قبلاً به اثبات رسیده خیلی معقول به نظر نمی‌رسد. از این‌رو، همگام با انجام پاره‌ای از اصلاحات مؤثر در سطح مؤسسه‌ای، بسیار ضروری است که در سطح کلان مدیریت و سیاست‌گذاری نظام آموزش عالی کشور تبیین دقیق جایگاه و نقش و مأموریت‌های آموزش عالی در توسعه جامعه، ارتقای هدفمند نظام مذکور در پاسخگویی به نیازها، آسیب‌شناسی شود و بررسی چالش‌ها و فرصت‌ها، مطالعه و تبیین ضعف‌ها و قوت‌های نظام آموزش عالی مهندسی مجدد گردد و نظام پذیرش دانشجو و برنامه‌ریزی درسی و تحلیل نقش دانشگاه‌ها در تأمین نیازهای مهارتی بخش‌های اقتصادی، همراه با بررسی تبیین راهبردهای ایجاد و بسترسازی اشتغال فارغ‌التحصیلان مراکز آموزش عالی کشور به دقت انجام گردد.

تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول می‌باشد، لذا نویسندگان مقاله از معاونت پژوهشی دانشگاه و کلیه افرادی که در انجام رساله ما را یاری کردند، تقدیر و تشکر می‌نمایند.

References

- Abreu. M. & Grinevich. V. (2013). The nature of academic entrepreneurship in the UK: Widening the focus on entrepreneurial activities. *Research Policy*, 42(2), 408-422.
- Ahmed. U., Umrani. W. A., Pahi. M. H., & Shah. S. M. M. (2017). Engaging Ph.D. students: Investigating the role of supervisor support and psychological capital in a mediated model. *Iranian Journal of Management Studies*, 10(2), 283-306.
- Babaei. A. (2007). Obstacles and challenges of applying Iran's research findings, *Correctional and Tarbiat Journal*, No. 62. [In Persian]
- Bandarian. R., Oabzi. R. (2010). Advantages and challenges of commercialization of research results of research centers in existing industries, specialized quarterly of parks and growth centers, number 20. [In Persian]
- Eisenhauer. E. and et. al. (2021). Advancing translational research in environmental science: The role and impact of social sciences. *Environmental Science & Policy*, Volume 120, June 2021, Pages 165-172.
- Ehsani. M., Rahimi. A., Nowrozi Seved Hosseini. R., Safari. M. (2019). Designing a model of requirements for commercialization of research findings in sports sciences. *Journal of Movement and Behavioral Sciences*, No. 11, 422-430. [In Persian]
- Ekrami. M. (2012). "Educational leadership model in Iran's public universities". *Higher Education Research and Planning Quarterly*, 9th year, number 3 (29 consecutive), fall 2012, 49 to 86. [In Persian]
- Epting. T., Gatling. K., & Zimmer. J. (2011). What are the most common obstacles to the successful commercialization of research? *SML Perspectives*, 1(2), 9-13.
- Qanadineiad. F., and Yari. S. (2016). Identifying strategies for the development of commercialization of knowledge in the fields of humanities and social sciences from the point of view of the professors of this field in Shahid Chamran University. 10th EDCA National Conference: Tehran - Union of Scientific Student Associations of Information Science and Epistemology of Iran. [In Persian]
- Heydari. Gh.R., Zukhani Neiad. F. (2017). Explaining the obstacles and solutions of theorizing in humanities and social sciences (case study: faculty members of Shahid Chamran University of Ahvaz). *Riwayat science and research policy quarterly*. Volume 28, Number 71, Fall 2017, 1-18. [In Persian]
- Hasan R. Sharifzadeh R. (2023). Designing the regulations for faculty members promotion with the aim of improving the relationship between industry and university. *ijej*; 14 (4) :1-15. [In Persian]
- Hosseini. S.R., Tabaian. S.K., Gooderzi. R. (2017). A framework for the development of academic entrepreneurship in the fields of humanities in Iran. *Entrepreneurship Development*. 17(4): 661-679. [In Persian]
- Jin. Z. (2011). *Global Technological Change: From Hard Technology to Soft Technology*. Second Edition Publisher: Bristol, UK; Portland Oregon, USA: Intellect Books, Editor: Kelvin Willoughby.
- Khavaf Moghadam. S., Rastegar. N. (2013). Identifying facilitators of knowledge commercialization in the field of humanities of Islamic Azad University of Mashhad branch, *Sanat and University Journal*, 7th year, numbers 23 and 24. [In Persian]

- Kaarela. M. (2013). Challenges of technology commercialization: Lessons from Finnish-Russian innovation alliance on nanotechnology. Proceedings from the Euro Nanoforum 2013 Workshop on Technology Commercialization (June 18–20), Dublin, Ireland.
- Krishna. V.V., R. Waast, and Gaillard s.J. (2000). 'The Changing Structure of Science in Developing Countries', Science Technology and Society, March 1, 2000; 5(2):209 - 224.
- Kukko. M. (2013). "Knowledge sharing barriers in organic growth: A case study from a software company". The Journal of High Technology Management Research. 2013; 24 (1): 18–29.
- Kung. Tiffany H., Morgan. Ch., Arielle. M., Czarina. S., Lorie D.L., Camille. E., Maria. M., et al. (2023). "Performance of ChatGPT on USMLE: potential for AI-assisted medical education using large language models." *PLoS digital health* 2, no. 2: e0000198.
- Mann. B K., et al. (2018). Ocular translational science: A review of development steps and paths. *Advanced Drug Delivery Reviews*, Volume 126, 15 February 2018, Pages 20-195.
- Mansourzadeh, F. (2015). Research reports of 1371, Scientific Research Council of the country. [In Persian]
- Mansouri. R. (2014). An attitude towards the state of research in Iran, Scientific and Research Policy Quarterly No. 1. [In Persian]
- Mirzaei Rafe. M. (2011). Examining the obstacles of theorizing in the field of humanities from the point of view of faculty members of different fields of humanities at Boali Sina University, Hamedan. [In Persian]
- Narimani. A.R., Ghadimi. B. (2017). The role of application of humanities research in the development of the country, 12th National Congress of Pioneers of Progress, Tehran. [In Persian]
- Nutlev. Sandra et al. (2003). "from knowing to doing: a framework for understanding the evidence-into-practice agenda; university of st.andrews.
- Perkmann. M., Tartari. V., McKelvey. M., Autio. E., Broström. A., D'Este. P. & Krabel. S. (2013). Academic engagement and commercialisation: A review of the literature on university–industry relations. *Research Policy*, 42(2), 423-442.
- Rezaivan. A. (2011). The final model of application of Islamic humanities in the field of local model management, specialized commission of distinguished theories in Islamic humanities. [In Persian]
- Romsarv. H., Hosseinnour. M., Behmai. L., Nasiri. M. (2018). Designing a model for the creation and development of knowledge-based companies in the field of humanities. *Library and Information Quarterly*, Volume 22, Number 4 (Sequential 88), 119-151. [In Persian]
- Rao. A., Kim. I., Kamineni. M., Pang. M., Jie. W., Drever. K. J., & Succi. M. D. (2023). Evaluating GPT as an adjunct for radiologic decision making: GPT-4 versus GPT-3.5 in a breast imaging pilot. *Journal of the American College of Radiology*, 20(10), 990-997.
- Ragasa. C. (2011). Do Organizational Factors Affect Individual Scientist's Productivity? A Comparative and Multilevel Analysis of Nigeria and Ghana Agricultural Research System". International Food Policy Research Institute (IFPRI), Washington, D. C. 2011; 1-29.
- Starokozhko. V., et. al. (2021). Strengthening regulatory science in academia: STARS. an EU initiative to bridge the translational gap. *Drug Discovery Today*, Volume 26, Issue 2, February 2021, Pages 283-288.
- Shen. Y., Heacock. L., Elias. J., Hentel. K. D., Reig. B., Shih. G., & Mov. L. (2023). ChatGPT and other large language models are double-edged swords. *Radiology*, 307(2), e230163.
- Sulo. T., Kendagor. R., Kossei. D., Tuitok. D., Chelangat. S. (2012). Factors Affecting Research Productivity in Public Universities of Kenya: The Case of Moi University. Eldoret. *Journal of Emerging Trends in Economics and Management Sciences (JETEMS)*, 2012; 3(5): 475-484.
- Sekaran. U. (2018). Research methods in management. Translation: Mohammad Saebi and Mahmoud Shirazi. Tehran: Publications of Public Management Education Center, 12th edition.